



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۹۶

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - السابع: الحلال المختلط بالحرام ...

مصادف با: ۱۸ جمادی الاول ۱۴۳۹

موضوع جزئی: مسأله سی و دوم - فرع سوم - اقوال - دلیل قول اول و بررسی آن

جلسه: ۶۴

سال هشتم (سال پنجم خمس)

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

فرع سوم

«و لو علم أنه أزيد منه فالأحوط التصديق بالزائد، و إن كان الأقوى عدم وجوبه لو لم يعلم مقدار الزيادة». اگر بدانند مقدار حرام بیش از مقدار خمس است؛ مثلاً یک پنجم مال را به عنوان خمس پرداخت کرده تا مال او پاک شود و بقیه مال جایز التصرف باشد، لکن بعداً معلوم شد که مقدار حرام نصف اموال اوست. این جا احوط آن است که مقدار زائد را صدقه دهد؛ یعنی آن خمسی که پرداخت کرده به قوت خود باقی است، ولی باید مابه التفاوت مقدار خمس و مقدار حرام را به عنوان صدقه به فقرا بپردازد. بعد می فرماید: اگرچه اقوی این است که چنانچه مقدار زیاد معلوم نباشد، تصدق به زائد واجب نیست.

فرق نظر امام و مرحوم سید

یعنی کأن امام (ره) در این جا دو صورت قائل شده و می فرماید: تارة مقدار زیاد معلوم است و آخری مقدار زیاد معلوم نیست.

۱. اگر مقدار زیاد معلوم نباشد، اکتفا به خمس می شود و البته احتیاط مستحب آن است که مقدار زائد را صدقه دهد.

۲. ولی اگر مقدار زیاد معلوم باشد، در این صورت احتیاط واجب آن است که مقدار زائد را صدقه دهد. این نظر امام (ره) در این مسأله است.

نظیر همین را مرحوم سید در مسأله ۳۴ عروه فرموده؛ در آخر مسأله ۳۴ چنین دارد: «و هل يجب عليه التصديق بما زاد على الخمس في الصورة الأولى أو لا وجهان أحوطهما الأول وأقواهما الثاني». بعد از اینکه اصل فرع سوم و دوم را تصویر کردند و حکم مربوط به فرع دوم که علم به نقصان مقدار حرام از خمس است را بیان کردند، می فرماید: در صورت اولی [علم بكون الحرام أزيد من الخمس] آیا تصدق به مازاد على الخمس واجب است یا خیر؟ در این جا دو وجه وجود دارد: احوطهما الاول [یعنی واجب است] و أقواهما الثاني [یعنی واجب نیست]. جمع این دو عبارت، آن است که ایشان از نظر فتوایی قائل به عدم وجوب تصدق به زائد است؛ یعنی می گوید اگر معلوم شد که مقدار حرام بیش از مقدار خمس است، دیگر لازم نیست آن مقدار زائد را صدقه دهید، هر چند احتیاط مستحب آن است که صدقه داده شود. لذا احتیاطی که مرحوم سید دارند، احتیاط مستحب است و الا در فرع سوم و در فرض «علم بكون الحرام أزيد من الخمس»، ایشان قائل

به عدم وجوب تصدق به مقدار زائد است و این معنایش آن است که همان خمسی که پرداخت کرده، کافی است و به موجب همین خمس بقیه اموال او پاک و تطهیر می‌شود.

صورت فرع سوم برای شما معلوم است. موضوع آن را هم قبلاً شرح داده‌ایم. عمده بررسی آراء و انظار در این مسأله است.

اقول در فرع سوم

به طور کلی در این مسأله سه قول وجود دارد:

قول اول

قول اول استرجاع و باز پس گیری خمس و سپس تصدق به تمام مقدار حرام به اهل صدقه است. یعنی بعد از آن‌که معلوم شد مقدار حرام بیش از خمس اخراج شده است، باید خمسی را که پرداخت کرده پس بگیرد و آن‌گاه مقدار حرام را [مثلاً نصف اموال] باید به عنوان صدقه به فقرا پرداخت کند.

قول دوم

قول دوم، اکتفا به خمس و اجتزاء به آن و عدم وجوب تصدق به مازاد علی الخمس است که مختار مرحوم سید در عروه همین است. ایشان احتیاط مستحب کرده‌اند و می‌فرماید احوط آن است که مازاد علی الخمس را صدقه دهد؛ یعنی آن مقدار زائد را به عنوان صدقه به فقرا پرداخت کند. امام(ره) هم تقریباً همین نظر را اختیار کرده‌اند ولی با یک تفاوت جزئی و اندک.

فرق نظر مرحوم سید و امام(ره)

این است که مرحوم سید فتوا به عدم وجوب تصدق به مازاد علی الخمس دادند مطلقاً و فرمودند أقواهما التانی؛ یعنی لازم نیست مقدار زائد را صدقه دهد بلکه همان خمس اخراج شده کفایت می‌کند. اما امام(ره) فتوا به عدم وجوب تصدق به زائد دادند منتهی به شرط آن‌که «لو لم يعلم مقدار الزیادة». عبارت امام(ره) این بود: «و إن كان الأقوی عدم وجوبه لو لم يعلم مقدار الزیادة» اگرچه اقوی این است که چنانچه مقدار زیاده را نداند، تصدق به مقدار زائد واجب نیست. این عبارت دیگر مربوط به فرض «ما علم مقدار الزیادة» نمی‌شود. پس کأن امام(ره) در صورتی که علم به مقدار زیاده حاصل شود، تصدق به مازاد را احتیاط وجوبی دانسته‌اند. چون «إن كان الأقوی» بعد از «فالأحوط التصدق بالزائد» آمده و لذا درباره صورت علم به مقدار زیاده نیست، لذا آن احوط احتیاط وجوبی است. پس تفاوت نظر مرحوم سید و امام(ره) بر می‌گردد به اینکه مرحوم سید به نحو مطلق می‌گویند تصدق به مازاد واجب نیست اما امام تصدق به مازاد را در صورت علم به مقدار زیاده، بنحو احتیاط واجب می‌داند. می‌گوید اگر مقدار زائد معلوم است، در این صورت احتیاط واجب آن است که صدقه دهد.

قول سوم

قول سوم تفصیل بین دو صورت است؛ یعنی بین صورت علم به مقدار زیاده و عدم علم به مقدار زیاده. در صورت علم به مقدار زیاده گفته‌اند تصدق به مازاد علی الخمس، واجب است. اما در صورتی که علم به مقدار زیاده حاصل نشود، «یجب

تخمیس الباقی ثانیاً؛ این جا باید باقی مانده را مجدداً تخمیس کند. این هم نظر بعضی از بزرگان از جمله مرحوم محقق خوئی است.^۱

نکته

قبل از اینکه ادله این اقوال مورد بررسی قرار گیرد، به نکته‌ای اشاره کنم و آن اینکه در جلسه قبل عرض شد مقصود از علم در مسأله ۳۲ [چه در فرع دوم و چه در فرع سوم] علم تفصیلی است؛ یعنی اگر تفصیلاً علم پیدا کرد «بکون الحرام أنقص من الخمس» یا تفصیلاً علم پیدا کرد «بکون الحرام أزيد من الخمس». وجه این مسأله را اینطور ذکر کردیم که چنانچه علم تفصیلی پیدا نشود، اساساً مقدار زائد قابل تصویر نیست. در صورتی می‌توانیم مقدار زائد را تصویر کنیم که علم تفصیلی به مقدار حرام پیدا کنیم، آن وقت است که می‌توانیم بفهمیم که چه مقدار از خمس بیشتر داده یا چه مقدار کمتر داده است.

اما در همان جا گفتیم اللهم الا أن يقال که اگر علم تفصیلی به مقدار حرام پیدا نکرد و علم اجمالی برای او حاصل شد، (حداقل برای اینکه بخواهد زائد در این مسأله معنا پیدا کند)، باید این چنین تصویر کنیم که یک اقل متیقن برای حرام باشد و ما علم اجمالی پیدا کنیم که مثلاً حرام بیشتر یا کمتر از مقدار خمس است اما مقدار آن برای ما معلوم نباشد؛ در این صورت است که این هم می‌تواند داخل در فروض مسأله شود [هم فرع دوم و هم فرع سوم].

هم قیدی که امام در کلام خود آوردند و فرمودند: «وإن كان الأقوی عدم وجوبه لو يعلم مقدار الزیادة» و هم تفصیلی که به عنوان قول سوم ذکر شد، یعنی تفصیل بین صورت علم به مقدار زیاده و صورت عدم علم به مقدار زیاده؛ تا حدودی با فرض مسأله قابل جمع نیست؛ اساساً فرض در فرع دوم و سوم این بود که علم پیدا کنیم که مقدار حرام بیش از مقدار خمس است یا کمتر از مقدار خمس. بعد عرض شد که بحث پیش می‌آید که با این زیاده یا نقیصه چه کنیم؟ روشن است که تنها در صورتی می‌توانیم سخن از تعیین تکلیف این مقدار زیاده یا نقیصه مطرح کنیم که تفصیلاً علم به مقدار حرام پیدا کنیم. مثلاً یک پنجم مال را به عنوان خمس داده؛ در چه صورت می‌توانیم بفهمیم که نسبت به حرام واقعی فلان مقدار کم داده است؟ در صورتی که تفصیلاً مقدار حرام واقعی معلوم شود، مثلاً معلوم شود که مقدار حرام واقعی یک دهم مال بوده است. در این جا نسبت به خمس یک نقصان پیدا می‌شود.

یا در فرع سوم در چه صورت می‌توان بحث از این کرد که آیا این مقدار زائد را باید صدقه بدهد یا ندهد؟ در صورتی که مقدار حرام را تفصیلاً بدانیم، مثلاً بدانیم مقدار مال غیر که با مال ما مخلوط شده، نصف مال است. در حالی که ما فقط خمس مال را داده‌ایم لذا در این جا یک مقدار زائد وجود دارد که کأن آن را پرداخت نکرده‌ایم. فاصله بین یک پنجم مال تا نصف مال، یک فاصله قابل توجهی است. آن وقت در این جا جای این بحث هست که این مقدار زائد را چه کنیم؟ آیا آن را رها کنیم و به همان خمس اکتفا کنیم یا مقدار زائد را صدقه دهیم؟

پس فی الجمله فرع دوم و سوم [به خصوص فرع سوم] متفرع بر این است که علم تفصیلی به مقدار حرام داشته باشیم. چون در این صورت است که می‌توانیم یک زائدی تصویر کنیم و ببینیم این زائد را چه باید کرد. اما اگر علم تفصیلی

^۱ مستند العروة، کتاب الخمس، ص ۱۶۶.

نداشتیم بلکه علم اجمالی داشتیم که مقدار حرام بیش از مقدار خمس است، (اما اینکه چقدر است را نمی‌دانیم؛) این‌جا اساساً بحث تصدق به مازاد مطرح نمی‌شود. یعنی این‌جا جای این نیست که بگوییم این مقدار مازاد را صدقه دهیم یا نه. نمی‌دانیم مقدار مازاد چقدر است تا بحث کنیم که صدقه دهیم یا نه. مگر اینکه بگوییم یک قدر متیقن وجود دارد و ما آن قدر متیقن را صدقه دهیم.

سؤال:

استاد: می‌خواهم عرض کنم که در این‌جا تفکیک لازم صورت نگرفته است. اینکه در قول سوم تفصیل بین این دو صورت داده شده. صورت علم به مقدار زیاد دقیقاً بحث مورد نظر ماست. اما صورتی که علم به مقدار زیاد نباشد، این‌جا دیگر چندان زمینه‌ای برای اینکه بگوییم زائد را صدقه دهیم، باقی نمی‌ماند چون اساساً تصویر زائد در این‌جا مشکل است. این در حقیقت یک فرض و مسأله و فرع دیگر است.

علی‌ای حال در عبارات آقایان تفکیکی از این جهت صورت نگرفته است. ولی بالاخره این دو صورت در مسأله قابل تصویر است که قول سوم به این دو صورت توجه کرده، امام (ره) هم این دو صورت را مدنظر قرار داده، اما کسانی مثل مرحوم سید فرقی بین این دو صورت نگذاشته‌اند؛ یعنی چه آن‌جایی که علم تفصیلی به مقدار حرام داشته باشد و چه آن‌جایی که علم اجمالی به زیاد پیدا کند، هر دو را در کنار هم قرار داده و فرموده اکتفا به خمس می‌شود و صدقه دادن یا تخمیس ثانیاً لازم نیست.

این سه قول در مسأله وجود دارد.

دلیل قول اول

«أما القول الاول یعنی استرجاع الخمس ثم التصدق بتمام الحرام» فقد استدلل له به این که:

به طور کلی کشف خلاف موجب عدم اجزاء است [چنان‌چه قبلاً هم در فرع دوم اشاره شد]. اگر به خاطر داشته باشید در جلسه قبل در فرع دوم عرض شد یک قول ضعیفی وجود دارد و آن قول به عدم اجزاء است. دلیل قول به عدم اجزاء آن است که این‌جا کشف خلاف شده؛ یعنی مقدار حرام را نمی‌دانستیم و شارع هم دستور داده بود که یک پنجم مال را بدهید تا بقیه مال برای شما حلال شود. الان معلوم شده که مقدار حرام بیش از مقدار خمس است و خود این کشف خلاف موجب عدم اجزاء آن کاری است که قبلاً انجام داده‌ایم. یعنی در صورت کشف خلاف نمی‌توانیم به یک پنجم اکتفا کنیم بلکه باید خمس پرداخت شده از ارباب خمس پس گرفته شود و بعد به اندازه‌ای که مقدار حرام برای ما معلوم شده، به همان اندازه صدقه دهیم. این دلیلی است که به عنوان دلیل قول اول می‌توان ذکر کرد.

بررسی دلیل قول اول

اما این دلیل قابل قبول نیست چون:

اولاً: مهم‌ترین مشکل این دلیل و قول آن است که مخالف با روایات وارده در باب مال مختلط به حرام است. طبق روایات [به خصوص روایت سکونی] تخمیس واجب است و این اطلاق دارد و اطلاق آن اقتضا می‌کند که اخراج خمس مجزی و مکفی است اعم از اینکه بعداً کشف خلاف شود یا نشود. به علاوه اگر حکم اخراج خمس را یک حکم واقعی ثانوی دانستیم [کما هو الحق] دیگر دلیلی برای عدم اجزاء نیست.

ثانیاً: استرداد خمس محل اشکال است. عرض شد که طبق برخی روایات «ما کان لله لایرجع»، چیزی که برای خدا داده شده دیگر بازگشت ندارد؛ نمی‌توانیم چیزی که در راه خدا داده شده و به صاحبانش داده شده را پس بگیریم. لذا قول اول مردود است.

دلیل قول سوم

قول سوم تفصیل بین صورت علم به مقدار زیاد و بین صورت عدم علم به مقدار زیاد است. مرحوم آقای خویی از کسانی است که این تفصیل را پذیرفته‌اند. ایشان می‌گویند در صورتی که ما مقدار زیاد را بدانیم، یعنی بعد از اخراج خمس برای ما کشف شود که مثلاً مقدار حرام و مالی که متعلق به غیر است، نصف اموال ماست در حالی که ما یک پنجم پرداخت کرده‌ایم. این‌جا **يجب التصدق بمأزاد علی الخمس**؛ این‌جا بر ما واجب است که مقدار زائد که برای ما معلوم شده، این را به عنوان صدقه به اهلش بپردازیم. ولی اگر علم به مقدار زیاد پیدا نکردیم بلکه اجمالاً فهمیدیم مقدار حرام بیش از مقدار خمس است، در این صورت باید مال باقی مانده را دوباره تخمیس کنیم.

دلیل بر تصدق به مازاد در صورت علم به زیاده

اگر علم به مقدار زیاد برای ما حاصل شد، روایاتی که خمس را واجب کرده بودند، مُرّاعی به عدم کشف خلاف بودند، یعنی گفتند تا زمانی که مقدار حرام مجهول است، خمس مکفی و مجزی است. اما زمانی که مقدار حرام معلوم شد، دیگر آن روایات این‌جا را در بر نمی‌گیرد کأنّ روایات اطلاق ندارند. روایت گفته «**فی الحلال المختلط بالحرام إذا لم يعرف صاحبه و لم يعرف مقداره ففیه الخمس**». الان مقدار معلوم شده و فهمیدیم که مقدار حرام بیش از خمس است، این‌جا دیگر آن روایات شامل این مورد نمی‌شود. الان که کشف خلاف شده، آن روایات خاصیتی ندارد. چون از ابتدا روایات، حکم وجوب تخمیس را بر عدم علم به مقدار حرام معلق کرده بود. الان که مقدار معلوم شده، کأنّ موضوع تغییر کرده و انقلاب موضوع صورت گرفته و خمس کفایت نمی‌کند.

آن مقداری که در آن شرایط و با توجه به آن اوضاع داده شده، مجزی است ولی کافی نیست. الان باید مقدار زائد صدقه داده شود تا ذمه این شخص بری شود. علت اینکه مقدار زائد را متعلق خمس نمی‌داند؛ یعنی نمی‌گوید این مقدار را به ارباب خمس بده، این است که این‌جا موضوع وجوب خمس منتفی شده است. چون خمس در صورتی واجب بود که مالک و مقدار مشخص نباشد. اما الان مالک معلوم نیست و مقدار معلوم است؛ لذا موضوع خمس منتفی است و لذا باید به ارباب صدقه، صدقه دهد.

این دلیل بخش اول و ضلع اول تفصیل است. اما اینکه چرا در صورت عدم علم به مقدار زیاد و علم اجمالی به وجود زیاده، دوباره این مال را باید تخمیس کند، دلیلش را جلسه بعد عرض خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»